

شهید در بیان قرآن

همزمان با فرا رسیدن ماه محرم و ایام شهادت سالار شهیدان، یکی از مسائلی که ممکن است در ذهن ما ایجاد شود این است که شهید کیست و جایگاه آن در قرآن کجاست؟



همزمان با فرا رسیدن ماه محرم و ایام شهادت سالار شهیدان، یکی از مسائلی که ممکن است در ذهن ما ایجاد شود این است که شهید کیست و جایگاه آن در قرآن کجاست؟ در این راستا با ایجاد فرصتی برای مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد علی ایازی، استاد حوزه و مدیر گروه قرآن و حدیث دانشگاه علوم تحقیقات درباره این موضوع به گفت و گو نشستیم که در ادامه آن را می خوانید.

ابتدا درباره کلمه شهادت در قرآن و معنای لغوی و اصطلاحی این کلمه توضیح دهید.

کلمه شهید و واژه های هم خانواده آن در قرآن 160 مرتبه ذکر شده که به معنای مختلف به کار رفته است. ازجمله کلمه شهادت به معنای لغوی آن؛ زیرا در لغت به معنای گواهی دادن بر امری یا سخنی است؛ ولی آیا این معنای عام آن است یا یک معنا بیشتر ندارد و دارای مصادیق گوناگون است؟ یا کلمه شهادت دارای مفاهیم متعدد است و هر کدام مصداقی دارد در امور دنیایی و در امور معنوی مانند حضور و شهود؟

به نظر من شهید یک معنای لغوی بیشتر ندارد و موارد استعمال آن مختلف و مصادیق گوناگون دارد، زیرا اگر پذیرفتیم شهید در لغت به معنی گواه است و در اصطلاح به کسی گویند که در مجرای شهادت قرار گرفته، طبعاً حتی در آن صورت که کسی در راه خدا کشته می شود، گواه است که در این صورت می توان گفت شهادت دو گونه مصداق دارد:

الف: شهید به معنای حاضر و ناظر

ب: شهید به معنای کشته در راه خدا

طبق معنای اول شهادت در قرآن گواه گرفتن بر امری است که یا به صورت حسی از آنها خبر بدهد یا در کنار صالحین و صدیقین و انبیا، اما نوعی از مرگ نیست؛ بلکه صفتی از حیات معقول و درک شهودی است. زیرا حیات معمولی که متأسفانه اکثریت انسان ها را اداره می کند، همواره خود را تحمیل می کند، لیکن در حیات معقول، فرد آن زندگی پاک از آلودگی ها را طلب می کند که فرد را در مجموعه بزرگی به نام جهان هستی و در مسیر تکاملی قرار می دهد. لذا شهید و شاهد به این معنا کسی است که همواره زنده و شاهد و از درکی آگاهانه برخوردار است و حیات و ممات او همواره صفتی است برای حیات طیبه. و به مصداق آیه 169 سوره آل عمران، شهید همواره زنده است و مرگ او در واقع انتقال از حیات جاری در سطح طبیعت به حیات پشت پرده آن یعنی در عالم غیب است.

با این توضیح چرا کسی که در راه خدا کشته می شود را شهید و شاهد گرفته اند؟

گفتیم آنچه در قرآن به آن تعبیر و توضیح داده شده، تعبیر خاص قرآن «قتلا فی سبیل الله» است. اصطلاح شهادت در اینجا به این مفهوم متاخر از قرآن تطبیق بر شهید شده است زیرا کلمه شهادت در قرآن به معنای کسی است که حاضر و ناظر است. لذا شهید با کار خود حاضر و ناظر است. در توضیح این معنا می توان به دو جهت پاسخ داد؛ یکی به این دلیل که شهید کسی است که نمی میرد و نمرده است؛ کسی که با فداکاری و ایثار ارزشمندترین موجودی خود را برای خدا می دهد، نزد خدا و جامعه حاضر است و ناظر. نکته دیگر وقتی می خواهیم درخصوص زنده بودن یا مرده بودن سخن بگوییم معمولاً حیات و ممات را به زندگی ظاهری و واقعی معنا می کنیم که همان حیات مادی و معنوی است.

در منابع شیعه آمده روایتی از حضرت عیسی(ع) بیان شده که «موتو قبل ان تموتوا»، بمیرید پیش از آن که بمیرید. که این بمیرید به آن معناست که وابستگی های مادی و علقه های خود را در درون خود بکشید قبل از آن که علقه ها و وابستگی های مادی از شما گرفته شود. چنانچه در روایت ذکر شده «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا» یعنی مردم خوابند و وقتی می میرند در می یابند که باید بیدار شوند؛ چراکه بعضی از انسان هایی که در این دنیا زندگی می کنند، حیاتشان نباتی و حیوانی است و فقط جان دارند و نفس می کشند؛ ولی واقعاً عقل و درک و دریافت انسانی را ندارند؛ بالعکس نیز وجود دارد که در ظاهر انسان ها می میرند ولی در حقیقت زنده هستند. شهید از آن دسته کسانی است که هرچند به لحاظ جسم، از بین رفته باشد، ولی به گزارش قرآن روح آنان زنده است. شهید از این لحاظ شاهد نامیده شده است که جان و روحش وجود دارد.

اشاره کردید که شهید دو مصداق دارد و دومین مصداق را «کشته در راه خدا» دانستید. در قرآن نیز وقتی به این مصداق اشاره می شود سپس می فرماید «بل احياء عند ربهم يرزقون». منظور از این عبارت چیست؟

مقصود از آیه 169 سوره آل عمران، «بل احياء عند ربهم يرزقون» این است که شهدا نزد خدا تغذیه معنوی می شوند و مقصود رزق مادی نیست؛ زیرا که این نوع روزی در زمان حیات وجود داشته و با مرگشان قطع می شود؛ ولی رزق معنوی در دنیای دیگر هم ادامه دارد و روح را با این تغذیه به سمت کمال پیش می برد.

واژه شهید و مفهوم آن از چه تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است؟

بحث کشته شدن در سوره های مدنی ذکر شده که می توان گفت در سال نخست هجرت یا سال دوم بیان شده و شهید در

احکام فقهی مفهومی دارد که نباید این قوانین را با آن مقام معنوی شهید در قرآن خلط کرد، ولی آنچه مشخص است این که این واژه از غزوات پیامبر شکل گرفته و عنوان شده ولی با توجه به سوره های مدنی می توان این نظریه را داد که پیش از این سوره بقره و آل عمران این معنا و حتی زمانی که برخی در مکه به شهادت رسیدند، متداول نبوده است و البته این را نباید فراموش کرد که در قرآن به مفهوم امروزی، یعنی کشتگان در راه خدا، کلمه شهید نیامده بلکه شهید در کنار انبیا و صالحین به معنای حاضر و ناظر آمده و مفهوم گسترده دیگری دارد و به این دلیل باید درباره شهید از جنبه های مختلفی بحث شود.

از سوی دیگر اشاره شد اصطلاح شهید برای کشته در راه خدا است. فلسفه و شأن نزول این کلمه هم این است که بعد از حادثه احد جمعی از افراد سست ایمان می نشستند و بر دوستان و بستگان خود که در احد شهید شده بودند، تأسف می خوردند که چرا آنها مردند و نابود شدند؟ مخصوصا هنگامی که به نعمتی می رسیدند و جای آنها را خالی می دیدند بیشتر ناراحت می شدند و با خود می گفتند: ما این چنین در ناز و نعمتیم، اما برادران و فرزندان ما در قبرها خوابیده اند و دستشان از همه جا کوتاه است!

شهید دارای چه خصوصیتی است و چه جایگاهی دارد؟

در فرهنگ قرآن همواره از حیات مادی و معنوی سخن گفته شده، مانند حیات طیب و حیات پس از مرگ و یکی از ویژگی هایی که قرآن شریف برای شهیدان ذکر کرده، مساله حیات و نوعی زندگی متفاوت از حیات دیگران و زنده بودن آنهاست. حال باید بدانیم منظور قرآن از این حیات چه نوع حیاتی است و مقصود قرآن چیست. آیا منظور از حیات، حیات مادی است یا این حیات مخصوص به روح و روان شهادت؟ آیا این حیات به جسم شهید هم مربوط می شود یا خیر و ده ها سوال دیگر که باید مورد بررسی قرار گیرد و به آنها پاسخ داده شود. اگر حیات در لغت به معنای زنده بودن آمده و اگر شهید یعنی کسی که حاضر و ناظر است، پس شهید کسی است که حی است.

اما این پرسش مطرح است که مراد از حیات شهیدان که خداوند در قرآن فرموده چیست؟ خداوند در آیه 154 سوره بقره به زنده بودن شهیدان اشاره کرده و درباره این آیه اقوال مختلفی از طرف مفسرین ارائه شده است.

برخی گفته اند منظور این است که شهدا بزودی در قیامت زنده خواهند شد. برخی نیز گفته اند کشته شدگان در راه خدا، دارای هدایت و ایمان و دین صحیح هستند، نمرده اند و زنده هستند. برخی دیگر گفته اند مقصود این است که چون از شهیدان، نام نیک در این دنیا باقی مانده است زنده هستند. مفسران دیگر نیز اقوال دیگری آورده اند که هر کدام به نوعی بیان کننده حیات شهادت و همه این اقوال به زنده بودن آرمان و اهداف شهیدان در جامعه باور دارند.

آیا شهادت نوعی مرگ محسوب می شود؟

بسته به این که «میتنه» را چگونه معنا کرد مفهوم آشکار می شود؛ اگر موت به معنای این باشد که جسم تغذیه نمی شود و البته قرآن از این نوع مرگ یاد می کند، در این صورت شهادت نوعی مرگ است ولی اگر مرگ را به این معنا بدانیم که روح دیگر حضور ندارد و ظاهر نمی شود، شهادت مرگ محسوب نمی شود.

اولین خصوصیت شهید را در حیات معنوی دانستید. خصوصیت دوم شهید چیست؟

ویژگی دیگر شهید تداوم اجر و پاداش است که در آیه ای می فرماید: و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما (نساء، 74) یعنی کسی که در راه خدا جهاد کند و در راه خدا شهید شود یا پیروز شود، پاداش بزرگی به او عطا خواهیم کرد. زیرا از آیات ذکر شده چنین برداشت می گردد که خداوند خود به این نکته توجه کرده است: نوتیه اجرا عظیما و این البته بجز قید نخست آیه است که به ضایع نشدن عمل شهید اشاره و آن را تضمین کرده است و این گونه نیست که اگر بظاهر در جهاد شکست خورده باشند خون آنها ضایع شده باشد؛ بلکه در هر حال پیروز می شوند.

این معنا در آیه ای دیگر بیان شده است. زیرا در آیه دیگری خداوند پیروزی یا شکست رزمندگان و شهید شدن یا نشدن آنها را یکی از دو نیکی قلمداد می نماید. «قل هل تربصون بنا الا احدی الحسینین و نحن تربص بکم ان یصییکم الله...» (توبه، 52) یعنی بگو آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید یا به شهادت می رسیم یا پیروز می شویم. در هر حال خداوند خون شهید را تضمین کرده و آن را هدر نمی داند.

این معنا تنها در قرآن نیامده بلکه در بیان مقام و درجات عالی شهدا و فضیلت شهادت و اجر عمل آنها احادیث فراوانی از ائمه معصومین نقل شده که این مبحث را با ذکر ترجمه یک حدیث از پیامبر(ص) به پایان می رسانیم.

رسول گرامی اسلام فرمودند: نیروهای رزمنده هنگامی که تصمیم به شرکت در جنگ می گیرند، خداوند مصونیت آنها را از آتش تضمین می کند و چون آماده جنگ شوند، فرشتگان به وجود آنها افتخار می کنند. هنگامی که با خانواده خود وداع می کنند... از گناهان خود خارج می شوند... خداوند 4000 فرشته را برآنها می گمارد تا از جلو و پشت سر آنان را محافظت کنند. کار نیکی انجام نمی دهند مگر این که مضاعف شود. در مقابل هر روز در جبهه ثوابی برابر عبادت هزار مرد عابد... برای ایشان می نویسند. چون با دشمن روبه رو می شوند قلم همه اهل دنیا از درک ثواب آنها عاجز است و چون به مبارزه با دشمن می ایستند و تیرها را آماده نشانه رفتن به دشمن می کنند و با یکدیگر درآویزند فرشتگان بال های خود را بر سر آنها می گسترانند و برای پیروزی و ثابت قدمی آنها دعا می کنند. هنگام ضرب و زخم، همسر بهشتی و نعمت های الهی بر او فرود می آید. مرحبا به روح پاکی که از بدنی پاک و مطهر خارج شد، بشارت باد بر تو کرامت ها و نعمت هایی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده است.

قرآن به رزق و روزی ای که شهید نزد خداوند از آن بهره مند است، اشاره می کند. این اشاره چه معنایی را به ما منتقل می کند؟

خداوند بعد از این که می فرماید شهیدان را مرده مپندارید اشاره می کند به این که شهیدان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند. لذا اگر نوعی حیات مجازی برای شهیدان فرض نماییم با ارتزاق منافات دارد، پس باید حیات را حقیقی در نظر گرفت. زیرا ارتزاق از ویژگی های موجود زنده و حقیقی است. سپس خداوند می فرماید: شهدا به خاطر آنچه خداوند از فضل خود به آنها ارزانی نموده است خوشحال و شادمانند و در تفسیر مجمع البیان آمده که این خوشحالی به خاطر نعمت های بهشتی است که خداوند نصیبشان نموده است و برخی نیز گفته اند این خوشحالی به خاطر رسیدن آنها به مقام حقیقی ولایت و عبودیت است.

به چه کسی شهید می گویند؟ آیا هرکسی در راه دفاع از کشور یا آرمان های وطنش کشته شود لفظ شهید بر او اطلاق می شود؟

شکی نیست شهید کسی است که در راه خدا کشته شود که این کشته شدن در راه خدا یک معنای ایجابی دارد و یک معنای سلبی که در مفهوم ایجابی آن می توان گفت فرد به قصد در مسیر خدا بودن باید گام بردارد در نتیجه وقتی می گوییم در مسیر خدا گام بردارد یک شاهراه بزرگ و وسیعی را شامل می شود و تمام مسیرهایی را که در جهت اهداف خداوند است، دربرگیرد و هر کس در راستای یکی از اسما و صفات خدا باشد این عنوان بر او اطلاق می شود. هر کس در راه میهن و امنیت هموطنان، عدالت، آزادی و اخلاق مردم کشته شد، چون یکی از این صفات الهی را دربرمی گیرد، شهید است.

اگر این شخص مسلمان نباشد هم شهید محسوب می شود؟

هر موحد خداپرستی که در راه خدا کشته شود خواه در آسیا یا اروپا باشد یا آفریقا و آمریکا برای خدا و اهداف الهی خود به معنای وسیع بجنگد و گام بردارد شهید محسوب می شود، ولی آن دسته از افرادی که خودسرانه در امور کشور بی نظمی ایجاد می کنند و ثبات جامعه را برای به اجرا در آوردن احکامی از ظاهر دین و برپایی شریعت های دینی برهم می زنند، اگر در این راه کشته شوند شهید محسوب نمی شوند؛ چراکه خارج از نظم و قاعده جامعه و اراده قانون بوده پس شهادت باید برای اهداف خدایی باشد و با هماهنگی و سازگاری برنامه های تعالی جامعه باشد. اما معنای سلبی آن است که مرگی که در راه غیرخدا باشد، همچون پول، شهرت، قدرت و هر چیزی که مغایر با اصول و معیارهای خدایی باشد دیگر قتل فی سبیل الله نمی شود حتی افرادی که ایده خوبی دارند، ولی در جهت خلاف قانون باشند، هدف آنها غیرالهی می شود و موجب هرج و مرج در جامعه می شوند و باید در امور خدایی از سلايق شخصی جلوگیری شود.

آیا شهدا پس از شهادت مورد رحمت الهی قرار می گیرند و گناهان گذشته آنها بخشیده می شود؟

در اینجا از دو دیدگاه باید گناه را بررسی کرد؛ یکی گناه شخصی و فردی است که رابطه شخص با خداست که در این میان حقی از دیگران ضایع نمی شود و این نوع گناهان بخشوده می شود، ولی نوعی گناه است که مربوط به حقوق دیگران است که حق الناس است و اگر شهید را نبخشند، شهید مدیون است و باید رضایت طرف مقابل کسب شود، چراکه خداوند صراحتاً بیان کرده حق الله را می بخشم ولی از حق الناس نمی گذرم.

شاخصه های شهید راه خدا چیست؟

مسلم معرفت انسان یکی از ویژگی های بارز شهادت و فرد هر چه آگاهی و معرفت بیشتری داشته باشد درجه خلوص و هدف الهی او ارزشمندتر و بیشتر می شود، شاخصه دوم خلوص است که هر چه آراستگی به فضائل بیشتر شود و اخلاق نیکو و حسنه تری داشته باشد درجه کمال و قرب الهی او بیشتر می شود و سومین نشانه او هدف و آرمان است که باید اهداف خوب و نیکو را بشناسد و بهترین را برگزیند. اشخاصی هستند که با تهدید و ارباب می خواهند به آرمان ها یا اهداف الهی برسند که این روش ها حسنه نیست و چنین شخصی دون شخصی خود را نشان می دهد و اگر کشته شود شهید قرآنی محسوب نمی شود.

آیا آرزوی شهادت داشتن کاری درست است؟

این سوال از دو دیدگاه بررسی می شود، یکی این که ما به دست کسی کشته شویم و بمیریم که نفس کشته شدن ارزش نیست، چراکه ممکن است شخصی در حیات خود مفیدتر باشد و به جامعه خدمات ارزنده ای عرضه کند که نفس مردن اینجا شایسته نیست ولی دیدگاه دیگر این است که نهایت هر انسانی مرگ است این که چه مرگی است که ارزشمند باشد این که در بستر خواب جان دهد یا در راه خدا کشته شود بسته به جهت این خواسته معنا می یابد.